

علیرضا عزیزی یوسفکند / دبیر هنر مدارس راهنمایی مهاباد

مقاله

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# بررسی مردم در نقاشی کمردکان

## چکیده

نقاشی کودکان از مسائل زندگی روزمره انسان‌هاست که ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. نقاشی نه تنها در شکل دادن شخصیت و روان کودک اهمیت بسزایی دارد بلکه به او امکان شناسایی محیط و شرکت در آن را می‌دهد و حتی برایش سؤالاتی مطرح می‌سازد. در عین حال، شرایطی را فراهم می‌آورد تا او بتواند مسائلی را که به صورت نامنظم از همه طرف برایش مطرح می‌شود، به ترتیب منظم کند.

دانش کودکان غالباً بیش از آنی است که آنها در نقاشی‌های خویش به نمایش می‌گذارند. کودکان برای بیان و نشان دادن آن از زبان ساده گرافیک استفاده می‌کنند که به مرور زمان به همراه رشد آنها شاخصه‌ها و مؤلفه‌های زبان تصویری‌شان نیز تغییر کرده و به واقعیات دنیای معاصر و دید بزرگان و پدر و مادرشان نزدیک‌تر می‌شود. کودک برای نیل به این مهم از ساده‌ترین فرم‌ها و خلاصه‌شده‌ترین اشکال بهره می‌جوید؛ گویی سال‌هاست که با مبانی گرافیک تصویری آشناست. در این تحقیق ضمن توصیف نقاشی کودکان و بیان برخی ویژگی‌های آن به تجزیه ساختار تشکیل‌دهنده آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: کودکان، نقاشی، فرم، اشکال هندسی، نقاشی کودکان

## اهداف تحقیق

- بررسی و شناخت برخی از ویژگی‌های نقاشی کودکان
- بررسی فرم در ساختار نقاشی کودکان

## سؤالات تحقیق

- نقاشی کودکان دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- کودکان در نقاشی‌های خود از چه فرم‌ها و اشکالی استفاده می‌کنند؟

## روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی، تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است.

## مقدمه

نقاشی کودکان دارای ویژگی‌های خاصی است که در همان لحظه اول نگاه هر بیننده و مخاطب صاحب ذوقی را به خود جلب می‌کند و او را به واکنش و تفکر وامی‌دارد؛ زیرا این نقاشی‌ها در عین سادگی، جذاب و سرشار از تحرک و سرزندگی هستند و مخاطب را به دنیای لطیف و زیبای کودکی خویش رهنمون می‌شوند. از طرفی، نقاشی کودکان از خلوص هنری برخوردار است و هر نقاشی به نوبه خود هویتی جداگانه و مستقل از دیگری دارد.

کودکان از حدود دو سالگی شروع به خط‌خطی کردن و اثر گذاشتن بر روی در و دیوار و اجسام اطراف خود می‌کنند. در این مرحله، آنها هیچ‌گونه هدف از پیش تعیین شده‌ای ندارند و نقاشی برای آنان چیزی جز بازی و تفریح به همراه تحرک نیست. آنها از حدود سه سالگی به بعد در نقاشی‌کردن هدفمند می‌شوند و شروع به خلق و بازنمایی دنیای پیرامون خویش می‌کنند. با رشد کودکان دنیای رؤیاهای بزرگ



تصویر شماره ۱ / روزین جوانمرد



تصویر شماره ۲ / هزاره خضر نژاد

کودکان از حدود سه  
سالگی به بعد در  
نقاشی کردن هدفمند  
می‌شوند و شروع به خلق  
و بازنمایی دنیای پیرامون  
خویش می‌کنند

ناگهان با سروصدا و گریه از خواب می‌پرند. با رشد بیشتر کودکان و زیاد شدن قوه ادراک در آنان، آنها می‌کوشند که از روش‌های دیگر ارتباط با دنیای پیرامون خود استفاده کنند. در این میان زبان و شیوه‌های گوناگون هنر به‌خصوص نقاشی از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در میان کودکان تمام دنیا با فرهنگ‌های متفاوت رواج دارد. هر چند که اولین تجربه آنها چیزی جز خط‌خطی‌های بی‌هوده و بی‌ثمر نیست ولی در ادامه با استفاده از امر تکرار و تصادف سعی می‌کنند برخی از فرم‌ها و اشکال خاص را نشان داده و آنها را به فرم و اشکال دنیای پیرامون خویش نزدیک کرده و برایشان اسم و معنی خاصی بیان کنند. (تصویر شماره ۱)

اولین فرم‌ها و اشکال هدفمند از دل همین خط‌خطی‌های ساده و بی‌ارزش استخراج می‌شوند و البته فاصله زیادی با گفته‌های آنان دارند و این نشان

کوچک‌تر شده و آنها به دنیای کوچک بزرگ‌ترها نزدیک‌تر می‌شوند؛ به همین دلیل فرم‌های نقاشی آنان به دنیای واقعی نزدیک‌تر و برای بزرگ‌ترها نیز مأنوس‌تر می‌شود. چنان‌که با برخورداری از جزئیات بیشتر، از سادگی خاص خود دورتر می‌شود. در این تحقیق سعی بر تجزیه ساختار، شناخت فرم‌ها و اشکال به کار رفته در نقاشی کودکان داریم و به برخی از ویژگی‌های آن می‌پردازیم.

#### کودک و نقاشی

کودکان همانند هنرمندان از همان لحظه‌های اول شناخت دنیای پیرامون شروع به ضبط آن در حافظه و تجزیه و تحلیل این دنیا می‌کنند. آنها در ابتدا از طریق خواب و رؤیا درصد برقراری این ارتباط برمی‌آیند. برای همین بعضی اوقات کودکان را می‌بینیم که با خیره‌شدن در یک نقطه خاص به فکر فرومی‌روند (البته این امر نزد بزرگسالان نیز مرسوم است) و یا

تصاویر و فرم‌های به‌کار رفته  
در نقاشی کودکان، صرف‌نظر  
از بازنمایی اشیاء می‌توانند  
بیانگر اندیشه‌ها، احساس‌ها  
و عواطف نیز باشند

تصویر شماره ۳ / روژین جوانمرد



زبان شیرین و شیوای نقاشی و به شیوه‌ای نمادین بیان کنند. با وجود سادگی و صراحت بسیار نقاشی کودکان، به دلیل وجود نظریه‌های متعدد و متفاوت روان‌شناسان، هنرمندان و محققان این حوزه نمی‌توانیم تفسیر و معنایی مشترک از نقاشی کودکان ارائه کنیم که اکثر این اندیشمندان آن را مورد تأیید قرار دهند. «کودکان شیفته مناظر بدیع و شادی‌آفرین زادگاه خود هستند. آنها علاقه دارند جشن‌ها، رسوم و محیط را به تصویر بکشند. آنها دوست دارند از داستان‌ها و افسانه‌های ملی خود بیشتر بدانند و با قهرمانان ملی خود بیشتر ارتباط برقرار کنند.»<sup>۲</sup> به همین دلیل، می‌توان بسیاری از معانی و تجربه‌های گفتاری از نقاشی کودکان را در زندگی و محیط اطراف زندگی آنان جست‌وجو کرد و با استفاده از سرنخ‌های موجود در نقاشی آنها به هدف اصلی و حقیقت امر نزدیک‌تر شد. نباید فراموش کرد که ترجمه یک نماد تصویری به زبان گفتاری مستلزم گذراندن پارامترهای خاصی است تا به بیراهه نرفت یا به نتیجه‌ای واهی و ساده نرسد. اکثراً کودکان برداشت ذهنی خود از محیط و دغدغه‌های خاص خویش را به تصویر می‌کشند نه آنچه را به صورت واقعی در پیرامون آنان اتفاق می‌افتد. به همین دلیل اگر قرار باشد موضوعی خاص را به تصویر بکشند، آن را از پالایشگاه ذهن خویش عبور

از ناموفق بودن کودکان در بیان نقاشی هم‌چنین کم‌تجربگی آنان در نقاشی کردن برای بیان اهداف خویش دارد.

اما با رشد بیشتر کودکان و تمرین زیاد آنان در نقاشی، چشم، ذهن و دست آنها بیشتر با هم هماهنگ شده فرم‌ها و اشکال شکل واقعی و ملموس‌تری به خود گرفته و به گفته‌های کودکان درباره نقاشی خود نزدیک‌تر می‌شود. با رشد بیشتر کودکان فرم‌های به‌کار رفته در نقاشی آنها نیز هندسی‌تر و منظم‌تر می‌شوند و بیان رئالیستی بیشتری پیدا می‌کنند.

«کودک در ابتدا واقعیت بیرونی را کپی نمی‌کند بلکه آن را چنان که خود شناخته است، معرفی می‌نماید. بدین معنی که او تصور ذهنی‌اش را می‌کشد، نه مشاهده بصری خود را. کودک برخلاف بزرگسالان برای نمایش واقعی بیرونی به شیوه ذهنی عمل می‌کند.»<sup>۱</sup> (تصویر شماره ۲)

### معنی در نقاشی کودکان

«تصاویر و فرم‌های به‌کار رفته در نقاشی کودکان، صرف‌نظر از بازنمایی اشیاء می‌توانند بیانگر اندیشه‌ها، احساس‌ها و عواطف نیز باشند.»<sup>۲</sup>

کودکان همانند هنرمندان بزرگ در اکثر موارد با قصد و نیت از پیش تعیین شده به نقاشی کردن روی می‌آورند؛ که در برخی موارد به دلیل کم‌تجربگی و برخی عوامل دیگر در این امر موفق نمی‌شوند اما باید توجه کرد که همواره این میل و خواست درونی آن‌هاست که بتوانند افکار و احساسات خویش را با

می‌دهند و با ریزه‌کاری‌های نمادپردازانه مخلوط می‌سازند و با زبان شیوای تصویری بیان می‌کنند. اگرچه در اکثر موارد کودکان میل به ترسیم نقاشی‌های خود به این شیوه دارند، نباید فراموش کنیم که در بسیاری موارد نیز آنان صرفاً تمرین می‌کنند یا به بازنمایی محیط اطراف خود می‌پردازند. در این مورد نیز آنها تنها اشیا و اجسام خاص مورد علاقه‌شان را برای نقاشی انتخاب می‌کنند؛ یعنی به معنای واقعی مانند هنرمندان بزرگ گزینشی عمل می‌کنند؛ نه اینکه هر آنچه را دم‌دستان باشد برای نقاشی انتخاب کنند.

علاوه بر موضوع نقاشی و محیط زندگی، جنسیت نیز می‌تواند راهنمای خوبی برای ترجمه و تفسیر نقاشی کودکان باشد. چرا که کودکان مذکر به موضوعات خاصی جلب می‌شوند که با موضوعات تصویر شده در نقاشی کودکان مؤنث بسیار متفاوت است. از دیگر مؤلفه‌های مهم در ترجمه نقاشی کودک، فرهنگ جامعه، خانواده، نوع ابزار انتخابی به همراه تکنیک اثر است.

### جنسیت کودکان و نقاشی

نقاشی کودکان مانند دریچه‌ای گشوده است که اسرار، اندیشه‌ها، احساسات و افکار صاحب خویش را به نمایش عموم می‌گذارد. کودکان در نقاشی‌های خود درصد بازنمایی هرچه بیشتر محیط و اشیای زنده و بی‌جان درون آن هستند. آنها تمام تلاش و سعی خویش را به کار می‌برند تا الگوی درونی و تصاویر ذهنی‌شان را با زبان نقاشی بیان کنند.

کودکان از اهمیت دادن بزرگ‌ترها به اعمال و رفتار خویش خشنود می‌شوند و گاهی اوقات برای جذب و جلب توجه بیشتر آنها به خود، سعی می‌کنند موضوعات مورد علاقه آنان را نقاشی

فرم‌ها، اشکال و موضوعات به کار رفته در نقاشی کودکان را جنسیت آنان تعیین می‌کند؛ چرا که کودکان مؤنث و مذکر هرگز مانند هم نقاشی نمی‌کنند و موضوعات، فرم و اشکال مورد علاقه آنها با همدیگر متفاوت است. «مذهب، سنت‌ها، شرایط اقتصادی و نظایر آنها در انتخاب موضوع کودکان نقش مهمی ایفا می‌کنند»<sup>۴</sup>

ویژگی‌های جنسیت در کودکان از عوامل تعیین‌کننده در انتخاب موضوع نقاشی است. بازی‌ها، نوع پوشاک، انتخاب رنگ، غذا، تن صدا و... در بین کودکان دختر و پسر بسیار متفاوت است. البته نباید فراموش کرد که هیچ‌کدام ارجحیت ندارند بلکه تنها متفاوت‌اند. این تفاوت سلیقه و علاقه در نزد کودکان می‌تواند راهنمای بسیار خوبی برای تفسیر و تبیین نقاشی کودکان باشد.

دختران با روحیه حساس‌تر و لطیف‌تر نسبت به پسرها، در اکثر مواقع به سوی بازنمایی طبیعت نرم و گل‌های همیشه بهاری جلب می‌شوند. آنها



تصویر شماره ۴ / سارینا خالدی

فرم‌ها، اشکال و موضوعات  
به کار رفته در نقاشی کودکان  
را جنسیت آنان تعیین می‌کند؛  
چرا که کودکان مؤنث و مذکر  
هرگز مانند هم نقاشی نمی‌کنند  
و موضوعات، فرم و اشکال مورد  
علاقه آنها با همدیگر متفاوت  
است



تصویر شماره ۵ / نیلوفر عزت‌خواه

### زاویه دید در نقاشی کودکان

کودکان برای بیان افکار و احساسات خویش دست به نقاشی کردن می‌زنند و برای هر چه موفق‌تر شدن در این امر از قواعدی خاص، زبان و نگاهی ویژه به دنیا استفاده می‌کنند که در بسیاری از موارد با روش بزرگ‌ترها در این مورد بسیار متفاوت است. آنها در بسیاری از موارد موضوع نقاشی خود را از میان خاطره‌ها و ذهن خویش انتخاب می‌کنند. افکار پالایش شده در ذهن کودک با نگاه، شیوه و تکنیک او روی کاغذ نقش می‌بندد.

کودکان به دلیل اهمیت بیش از حد والدین در زندگی‌شان، همیشه درصدد نشان دادن این جایگاه ویژه در نقاشی‌های خود هستند. به همین دلیل است که ما شاهد حضور پررنگ والدین و اندازه بزرگ‌تر فیگور آنها نسبت به سایر اجزای نقاشی هستیم. (تصویر شماره ۴)

اکثر کودکان به هنگام ترسیم یک انسان اول یک دایره بزرگ ترسیم می‌کنند که جایگاه تشکیل‌دهنده اجزای صورت بوده و سر انسان فوق را تشکیل می‌دهد که نسبت به سایر اعضای دیگر بزرگ‌تر و دارای جزئیات بیشتر است و این به دلیل اهمیت بیشتر سر نسبت به سایر اجزای بدن نزد کودکان است. بعد از سر این دست‌ها هستند که بزرگ‌تر ترسیم شده و در درجه دوم اهمیت قرار دارند و به همین دلیل دست‌ها را به بزرگ‌ترین عضو بدن یعنی سر انسان متصل می‌کنند. (تصویر شماره ۵)

نباید تصور کنیم که کودکان به دلیل عدم درک تناسبات به این شیوه نقاشی می‌کنند بلکه این اهمیت موضوع در نقاشی کودکان است که باعث اختلاف اندازه و سایز یک عنصر نسبت به سایر اجزای تشکیل‌دهنده نقاشی می‌شود. در بسیاری از موارد ما شاهد اندازه بسیار کوچک یک فیگور در نقاشی نسبت به سایر عناصر هستیم که با کمی جست‌وجوی بی‌می‌بریم نقاش

همیشه آمادگی دارند که محیط گرم خانواده و محبت تک‌تک اعضای این کانون را نقاشی کنند. هر چند که اگر با برادرشان رابطه خوبی نداشته باشند، باز او را در نقاشی خود جای می‌دهند. البته با اندازه‌های کوچک‌تر از سایر اعضا و به‌ویژه خودشان؛ در این میان نقش مادر بسیار پررنگ بوده و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

آنها در صورت انتخاب، دوست دارند اکثراً دختر بچه‌های با موهای بلند و اغراق شده را در نقاشی به نمایش بگذارند. (تصویر شماره ۳) برای نقاشی حیوانات نیز طیف خاصی را گزینش می‌کنند مانند: خرگوش، گربه، سگ، کبوتر و...

اما برعکس دختران، کودکان پسر دوست دارند همیشه هم‌جنس خود را نقاشی کنند و در نقاشی‌های خود صحنه‌های پرتحرک و فعال را به نمایش می‌گذارند. به هنگام نقاشی طبیعت نیز از کوه‌های سر به فلک کشیده استفاده می‌کنند. پسرها در کل روحیه اجتماعی‌تری دارند و زود خود را با بقیه هماهنگ می‌کنند و با محیط وفق می‌دهند. برای همین، در نقاشی آنان صحنه‌های جذاب ورزش‌های گروهی هم‌چون فوتبال و بسکتبال بسیار مشاهده می‌شود. آنان برای سوار شدن به ماشین همیشه آمادگی دارند؛ با توجه به مدل‌های مختلف ماشین آنها را در میان نقاشی‌های خود نمایش می‌دهند، در دنیای کودکان خود سوار آنها می‌شوند و به دور دست‌ها سفر می‌کنند. پسرها فیلم‌های اکشن را بسیار می‌پسندند و ماشین‌های جنگی و انواع اسلحه را از آنها به‌خاطر می‌سپارند و در نقاشی‌های خود آنها را بازنمایی می‌کنند. برای نقاشی حیوانات نیز طیف خاصی را برمی‌گزینند؛ مانند: مارهای بزرگ خطرناک، ماهی‌های عظیم هم‌چون نهنگ، عقاب و اسب‌های زیبا و... . کودکان پسر نسبت به دخترها گرایش بیشتری به نقاشی کردن در سطح‌های بزرگ‌تر دارند ولی این دخترها هستند که زمان بیشتری را برای نقاشی کردن صرف می‌کنند.

فعالیت گرافیکی برای بسیاری از والدین به منزله یک سرگرمی و بازی فردی است و مفهوم اجتماعی ندارد. در حالی که اثر گرافیکی بنابر دلایل بینایی و بصری علاوه بر ارزش بیانی، منعکس کننده پیچ و تاب های فکری کودک نیز هست



تصویر شماره ۱۶ هژبر خسرو نژاد

با این شخص قهر یا دعوا کرده و برای همین، او را حقیر ترسیم نموده است. این زاویه دید و پرسپکتیو خاص در میان نقاشی های تمدن کهن مانند مصر باستان نیز دیده می شود.

کودکان همیشه سعی می کنند برای ترسیم موضوع خود، زاویه های استاندارد و ساده را انتخاب کنند مانند: دید از روبه رو و دید از نمای جانبی. آنها در بسیاری موارد یک فیگور و یا عنصر را از دو جهت ترسیم می کنند مانند ترسیم چهره انسان از نمای جانبی و ترسیم چشمان او از نمای روبه رو، که این روش ها از لحاظ پرسپکتیو علمی مطرود و نادرست است ولی روش هایی این چنین از زمان های بسیار دور در میان هنر انسان خودنمایی کرده و همین اصول ابتدایی و ساده به مرور زمان باعث پیدایش و ظهور پرسپکتیو علمی شده است.

کودکان در اغلب اوقات عناصری را که از زاویه دید انتخابی دیده نمی شوند ترسیم می کنند مانند: ترسیم نوزاد داخل شکم یک زن حامله یا دسته لیوانی که از روبه رو پیدا نبوده و در پشت آن قرار گرفته است. این امر به دلیل کامل بودن تصویر از لحاظ کودک شکل گرفته است؛ یعنی، کودک می پندارد زمانی که نوزاد داخل رحم زن آبستن را به نمایش بگذارد، نقاشی او کامل شده یا لیوان بدون دسته ناقص است. به همین دلیل برای تکمیل شدن نقاشی خود از تصویر ذهنی خویش کمک می گیرد و توجه چندانی به واقعیت بصری امر ندارد.

### فرم در نقاشی کودکان

«فعالیت گرافیکی برای بسیاری از والدین به منزله یک سرگرمی و بازی فردی است و مفهوم اجتماعی ندارد. در حالی که اثر گرافیکی بنابر دلایل بینایی و بصری علاوه بر ارزش بیانی، منعکس کننده پیچ و تاب های فکری کودک نیز هست.»<sup>۵</sup>

«نقاشی کودکان از فرم هایی پایه ای ساخته شده است که جذابیتی ذاتی دارند. دلیل این امر آن است که فرم های ساده از قبیل دایره، مستطیل، صلیب و ماندلا (دایره ای که صلیب روی آن کشیده شده است) را می توان در نقاشی کودکان با سنین مختلف و سابقه فرهنگی متفاوت یافت.»<sup>۶</sup>

کودکان در سنین پایین در اغلب موارد برای نقاشی کردن از

فرم هایی ساده استفاده می کنند که با روند رشد این امر متحول شده و آنها کم کم به سراغ خطوط کناره نما و فرم های بسته بزرگ تر هدایت می شوند.

کودکان در نقاشی همواره راحت ترین مسیر ممکن را

انتخاب می کنند. آنها به دلیل رشد کم و عدم شناخت کافی، در

تشخیص فرم های مرکب و پیچیده مشکل دارند؛ برای همین نمی توانند

یک مکعب درست را ترسیم نمایند یا در بسیاری از موارد اکثر فرم های یک

عنصر را حذف می کنند و با انتخاب یک فرم از آن و کمترین جزئیات آن را

به تصویر می کشند.

کودکان اکثراً در مراحل اولیه رشد و نقاشی همه عناصر را در قالب چند

فرم خاص پیاده کرده، نقاشی می کنند. برای همین ما شاهد شباهت بسیار

میان نقاشی آنان در این سنین هستیم. غالباً نقاشی کودکان کم سن از

لحاظ فرم خصوصیات مشترک و نزدیک به هم دارند که این روند به همراه

رشد کودک متغیر است و تفاوت های شخصی و فرم های متفاوتی از آنان در

نقاشی هایشان مشاهده می شود.

ترکیب خطوط ساده به همراه اشکال هندسی برای بیان فرم های

پیچیده تر از خصوصیات دیگر نقاشی کودکان است که با تکامل ادراک آنها

از محیط حاصل می شود عنصر آزمایش و خطا در این مورد همواره نقش

مهمی ایفا می کند. آنها در اغلب موارد یک فرم را بسیار تکرار می کنند تا به

نتیجه دلخواه برسند و بر آن تسلط کافی داشته باشند.

در بسیاری موارد به علت عدم شناخت و درک مناسب، کودکان فرم های

زیادی را روی همدیگر ترسیم و یا پاک کرده، در آخر به منظور خود

نمی رسند و خسته و بیزار دست از نقاشی کشیده، وسایل خود را رها کرده

و سراغ کاری دیگر می روند.

«البته در این طراحی ها نباید در پی کمال هندسی برآییم. نه تنها کنترل

حرکتی و چشمی کودک برای ترسیم اشکال دقیق و کافی نیست بلکه مهم تر از



بزرگ خانه یا مادرش باشد. (تصویر شماره ۶)

از کاربردهای فراوان دایره ترسیم و نقاشی چهره یک نفر است. کودکان در ابتدا یک دایره بزرگ ترسیم می‌کنند و در ادامه با عناصر و اشکال دیگر قصد و نیت ترسیم اعضای صورت را دارند. هر چند که در اغلب موارد در قرار گرفتن اعضا در محل مناسب و تناسب آنها مشکل دارند ولی با تکرار و تمرین درصدد بازنمایی واقعی آن هستند. (تصویر شماره ۷)

خورشید و ماه از عناصر همیشه ثابت نقاشی کودکان هستند که با استفاده از دایره ترسیم و بازنمایی می‌شوند. خورشید نیمه پنهان در پشت کوه‌ها و یا ماه تابان در وسط روز که نشان از اهمیت فراوان خورشید و ماه نزد کودکان دارد. استفاده از هر کدام با اندازه‌های مختلف، شیوه و رنگ‌های متفاوت، تفاوت‌های فردی و خصوصیات شخصی آنها را بازتاب می‌دهد. (تصویر شماره ۸)

### مربع

«کودکان با نگاه تیزبین خود بسیاری از بزرگ‌سالان را خجل می‌سازند. هر کس که برق اشتیاق نفس‌گیر چشمان کودکان یا تمرکز شدید آنها به هنگام طراحی و نقاشی را دیده باشد، نمی‌تواند هیچ نوع احتجاجی مبنی بر بی‌توجهی یا بی‌تفاوتی را بپذیرد.»<sup>۸</sup>

دومین شکل هندسی مورد علاقه کودکان که به وفور در نقاشی آنان منعکس شده شکل مربع است. مربع برحسب اتفاق و تکرار از خطوط راست و بی‌هدف که همدیگر را قطع می‌کنند در نقاشی کودکان متولد می‌شود.

چند خط راست به هم پیوسته شکلی را برای کودکان ایجاد می‌کند که در نقاشی و زندگی کودک نقش انکارناپذیر و جدا نشدنی از آن را ایفا می‌کند. چرا که خانواده و افراد آن برای کودک با ارزش‌ترین در زندگی محسوب می‌شوند. اولین دنیایی که کودک بعد از رحم مادر به آن پا می‌گذارد، خانه و خانواده است که در آن آغوش گرم والدین به همراه شور و شوق دیگر اعضای آن هرگز از ناخودآگاه کودک جدا نمی‌شوند. برای همین، اولین شکل و موضوع مهم نقاشی برای کودک خانواده است و حفظ این مهم و محافظت از آن بیشتر



تصویر شماره ۸ / آرش معروفی

آن به نظر کودک ضرورتی در انجام این کار نیست.»<sup>۹</sup> با بررسی بیشتر نقاشی کودکان پی می‌بریم که اشکال هندسی اصلی (دایره، مربع، مثلث) نقش اساسی دارند و از عناصر ثابت برای رسیدن به مقصود آنان محسوب می‌شوند.

### دایره

دایره نخستین فرم بسته و هندسی است که در نقاشی کودکان نمایان می‌گردد. کودکان در ابتدای اثرگذاری اکثراً خطوط بی‌هدف ترسیم می‌کنند و بیشتر این خطوط زاویه‌دار یا راست و مقطع هستند. آنها به مرور زمان و با تمرین‌های زیاد یاد می‌گیرند که خطوط کج و منحنی را نیز ترسیم کنند. چنان‌که با تکرار خطوط منحنی به شکلی نزدیک به دایره می‌رسند. تکرار از خصوصیات بارز نقاشی کودکان است که باعث ایجاد فرم‌های مناسب و درست در نقاشی‌های آنان می‌شود و بدین صورت اولین شکل هندسی در نقاشی کودکان شکل می‌گیرد.

کودکان در ابتدای نقاشی کردن زندگی خویش اول نقاشی می‌کنند بعد به بیان مقصد می‌پردازند. برای همین یک فرم دور از واقعیت و ذهن می‌تواند نماینده هر عنصر خاصی باشد؛ مثلاً یک دایره کوچک می‌تواند شکل خودش باشد یا دایره



روی سقف هم این مثلث است که وظیفه دودکش را به عهده می‌گیرد و از گرما و محبت وافر خانواده ساکن در خانه حکایت دارد.

مثلث به دلیل ویژگی‌های خاص خود نسبت به دیگر اشکال مقبولیت کمتری داشته و در موارد خاصی به کار گرفته شده است که این خود می‌تواند راهنمای بسیار خوبی برای تفسیر و تبیین این نقاشی‌ها باشد و ما را به درون آفریننده آنها رهنمون سازد.

### نتیجه

«کودکان دنیا را با آغوش باز می‌پذیرند و در تخیل ممکن است که بی‌جانی را جان بخشند. آنها دنیا را صادقانه به شکلی درخشان و دوست‌داشتنی به ما نشان می‌دهند و با علاقه و صفا ناپذیری آنچه را دوست دارند، نقاشی می‌کنند.»<sup>۹</sup> (تصویر شماره ۱۰)

برای وارد شدن به دنیای کودکان آثار هنری به ویژه نقاشی‌های آنان بهترین یاور و رهنمون هستند. اگرچه در ابتدا کودکان از بیان و نشان دادن افکار و دغدغه خویش ناتوان به نظر می‌رسند، به مرور زمان همراه با رشد جسمی، ادراک و توانایی‌های آنها نیز افزایش می‌یابد؛ چنان‌که به راحتی می‌توانند با محیط ارتباط برقرار کنند و آن را در نقاشی‌های خویش به نمایش بگذارند.

«کودکان با آزمودن ابزار و تصورشان به‌طور خودانگیزه کار می‌کنند. شکل‌هایی که آنها می‌سازند برای بزرگسالان قابل تشخیص نیستند اما برای خود آنها مفهوم دارند.»<sup>۱۰</sup>

آنها به مرور با آزمایش و خطا به همراه تکرار

از هر شکلی با مربع بیان می‌شود؛ چرا که چهار ضلع مربع هم‌چون دیوارهای مستحکم خانه، اعضای خانواده را از محیط اطراف و هرگونه خطر جدا و محافظت می‌کند.

در اوایل کودکان از ترسیم یک مربع کامل عاجزند و این به علت عدم تناسب و اندازه مساوی اضلاع و خطوط مربع و تشخیص نادرست کودک است؛ در نتیجه، شکل حاصله بیشتر به سمت مستطیل گرایش دارد. بر اثر ممارست و دقت بیشتر در مراحل بعد، کودک به راحتی آسایش و امنیت خانواده را با مربعی مستحکم و محبت و زندگی خانه را با رنگ‌های گرم قرمز و نارنجی بیان می‌کند.

### مثلث

شکل مثلث نیز همانند دایره و مربع از اشکال هندسی مورد علاقه کودکان است که از خطوط متقاطع و بی‌هدف در اولین آثار آنان، زاییده و به کار گرفته می‌شود.

مثلث در اندازه و شیوه‌های متفاوت با برخورداری از سه ضلع و زاویه تند خود خصوصیات روانی خاصی در آثار کودکان ایجاد می‌کند. هر قدر مربع سکون و ایستایی را در آثار کودکان نشان می‌دهد، به همان قدر و شاید هم بیشتر، مثلث از تحرک و پویایی در اثر حکایت دارد و این خود طیف خاصی از کودکان را جلب می‌کند که علاقه بیشتری برای بازی‌های تحرک‌دارند.

در بسیاری از آثار کودکان دختر، تنه یک زن یا دختر با مثلث ترسیم شده است که آن را برای بیان و نشان دادن دامن پوشیده شده به کار می‌برند. (تصویر شماره ۹) در اغلب نقاشی‌ها ما شاهد کوه‌های استوار و سر به فلک کشیده در میان طبیعت در قالب چندین مثلث هستیم. در بعضی از جاها هم پنجه دست با این شکل بیان شده است یا شکل مثلث نقش سقف خانه را ایفا می‌کند. بر



تصویر شماره ۹ / کالی کریمی

### منابع

۱. آرنه‌ایم، رودلف؛ هنر و ادراک بصری، مترجم مجید اخگر، نشر سمت، تهران، ۱۳۸۶.
۲. پیکرینگ، جان؛ مبانی هنرهای تجسمی کودکان، مترجم: مرضیه قره‌داغی، نشر دنیای نو، تهران، ۱۳۸۱.
۳. داداش‌زاده، کاوه؛ نقاشی و دنیای بچه‌ها، نشر توکا، تهران.
۴. شباهنگی، جلال و دانشگر، محمدحسن؛ مبانی تصویرسازی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۸۱.
۵. فراری، آنالیو؛ نقاشی کودکان و مفاهیم آن، مترجم عبدالرضا صرافان، نشر داستان، تهران، ۱۳۷۳.
۶. کوپر بلاند، جین؛ آموزشی نقاشی برای خردسالان، مترجم مرضیه قره‌داغی، نشر دنیای نو، تهران، ۱۳۸۴.
۷. گلین، وی. توماس و آنجل، ام. جی. سلک؛ مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان، عباس مخبر، تهران، نشر طرح نو، ۱۳۸۰.
۸. محمد اسماعیل، علیرضا؛ نقاشی زبان کودک، نشر یساولی، تهران، ۱۳۸۶.
۹. میرزا بیگی، علی؛ نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودک، نشر مدرسه، تهران، ۱۳۷۶.
۱۰. هافمن، آرمین؛ مبانی هنرهای تجسمی، مترجمان: محمد خزایی و سیدمحمد آوینی، نشر مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.

### منابع تصویر

- نقاشی‌های فوق در کلاس نقاشی کودکان در شهر مهاباد زیر نظر این جانب اجرا شده‌اند.

و تمرین یاد می‌گیرند با استفاده از اشکال ساده و هندسی اهداف خویش را به‌صورت تصویری بیان کنند و فاصله میان نقاشی‌های خود و بزرگ‌ترها را کمتر و کمتر سازند. در این تحقیق سعی شد با بیان برخی ویژگی‌های ساختاری نقاشی کودکان، با دنیای بزرگ این آدم‌های کوچک و شاید کم تجربه از طریق نقاشی بیشتر آشنا شویم و برخی از فرم‌های پایه و مرسوم کاربردی در نقاشی آنان را شناسایی و توصیف کنیم.

### پی‌نوشت

۱. مبانی تصویرسازی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۸۱.
۲. مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان، عباس مخبر، تهران، نشر طرح نو، ۱۳۸۰، ص ۸۵.
۳. نقاشی زبان کودک، نشر یساولی، تهران، ۱۳۸۶، ص ۶۴.
۴. مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان: ۸۶.
۵. مبانی تصویرسازی: ۱۷.
۶. مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان: ۸۵.
۷. هنر و ادراک بصری، نشر سمت، تهران، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸.
۸. همان: ۲۱۸.
۹. نقاشی و دنیای بچه‌ها، نشر توکا، تهران، ص ۱۰.
۱۰. آموزش نقاشی برای خردسالان، نشر دنیای نو، تهران، ۱۳۸۴.



تصویر شماره ۱۰ / روزن جوانمرد

شکوه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی